

جنگ و بایسته‌های
اصلاح‌گرایی

حامد خانجانی

دانش آموخته فلسفه اخلاق

جنگ، به‌مثابه یک بحران اجتناب‌ناپذیر، عرصه‌ای نیست که در آن بتوان به برنامه‌های بلندمدت اصلاحات اجتماعی اندیشید. در چنین شرایطی، اولویت‌ها تغییر می‌کنند و فضای سیاسی به‌سرع‌ت از گفت‌وگوی عقلانی به سمت موضع‌گیری‌های امنیتی و بقایی سوق می‌یابد. اما آیا این به آن معناست که اصلاح‌گرایان اجتماعی در زمان جنگ باید به حاشیه رانده شوند یا سکوت پیشه کنند؟ پاسخ منفی است. جنگ هر چند میدان اصلی اقدامات اصلاحی نیست، اما آزمونی بزرگ برای پایبندی به اصول انسانی، همبستگی اجتماعی و مسئولیت‌پذیری سیاسی است. در بحبوحه جنگ، خطوط تقسیم‌کننده داخلی - اعم از جناحی، نژادی یا ایدئولوژیک - باید کم‌رنگ شود. اصلاح‌گرایان، اگر چه ممکن است در شرایط عادی منتقد جدی حکومت باشند، در زمان جنگ از هرگونه تشدید اختلافات داخلی پرهیز می‌کنند. این به‌معنای تأیید بی‌قیدوشرط سیاست‌های دولت نیست، بلکه به‌معنای درک حساسیت شرایط و اولویت دادن به بقای جمعی است. تجربه‌ی تاریخی نشان داده است که جوامعی که در زمان جنگ به‌جای همکاری، به دام اختلافات داخلی افتاده‌اند، نتایج آنها در برابر دشمن خارجی آسیب‌پذیرتر شده‌اند، بلکه پس از جنگ نیز با بحران‌های عمیق‌تر اجتماعی و سیاسی مواجه شده‌اند. بنابراین اصلاح‌گرایان در چنین شرایطی نقش واسطه‌گران اجتماعی را ایفا می‌کنند؛ کسانی که بر ضرورت وحدت تأکید می‌ورزند، بی‌آنکه اصول خود را قربانی کنند. اگر چه جنگ فضایی برای اصلاحات ساختاری گسترده نیست، اما غفلت از نیازهای اساسی جامعه می‌تواند به فاجعه‌ای انسانی بیانجامد. اصلاح‌گرایان در این شرایط، ضمن همراهی با اقدامات امدادی فوری، به برنامه‌ریزی برای حل مشکلات ریشه‌ای نیز می‌اندیشند. برای مثال در بحران جنگ، مسائلی مانند آوارگان، تخریب زیرساخت‌ها و اختلال در نظام آموزشی و بهداشتی به‌سرعت ظهور می‌کنند. اصلاح‌گرایان می‌توانند با ارائه طرح‌هایی برای اسکان موقت و بازسازی‌ها یا ایجاد شبکه‌های حمایت روانی از قربانیان جنگ، نقش مؤثری در کاهش آسیب‌ها ایفا کنند. این اقدامات هر چند ممکن است در نگاه اول «امدادی» به‌نظر برسند، اما در واقع پایه‌های یک جامعه مقاوم‌ر می‌سازند. جامعه‌ای که در بحران‌ها منفعل نباشد، پس از جنگ نیز سریع‌تر می‌تواند به سمت بازسازی و توسعه حرکت کند. یکی از دشوارترین چالش‌های اخلاقی در زمان جنگ، نحوه مواجهه با «دشمن» است. اصلاح‌گرایان اگر چه اقدامات تجاوزگرانه دولت‌های جنگ‌طلب را محکوم می‌کنند، اما هرگز ملت کشور مقابل را هدف نفرت و کینه‌توزی قرار نمی‌دهند. این تفکیک، هم از منظر اخلاقی ضروری است و هم از نگاه راهبردی. تاریخ نشان داده است که دشمن‌سازی کلی از یک ملت، نفع‌ها به گسترش خشونت می‌انجامد، بلکه صلح پایدار را نیز ناممکن می‌سازد. اصلاح‌گرایان با تأکید بر انسان‌مداری، به‌جای تشدید تنش‌ها، بر پیامدهای انسانی جنگ تمرکز می‌کنند؛ چه بر مردم خودی و چه بر غیر خودی. این نگاه، زمینه‌ساز گفت‌وگوهای پاسخگویی و آشتی ملی است. نکته ظریف دیگری که در رفتار اصلاح‌گرایان در زمان جنگ دیده می‌شود، نحوه تعامل با حکومت است. اصلاح‌طلبان ممکن است در شرایط عادی با دولت اختلافات اساسی داشته باشند، اما در زمان جنگ، از هر اقدامی که به تضعیف حاکمیت ملی بیانجامد، اجتناب می‌ورزند. این حمایت، اما، به‌معنای سکوت مطلق در برابر اشتباهات نیست. برای مثال اگر دولت در توزیع منابع امدادی تبعیض قائل شود یا حقوق اساسی شهروندان را زیر پا بگذارد، اصلاح‌گرایان با حفظ چارچوب‌های امنیتی، به انتقاد سازنده می‌پردازند. این موضع دشوار، نیازمند تعادلی ظریف میان «وحدت ملی» و «پاسداری از عدالت» است. هر جنگی بالاخره تمام می‌شود، اما پیامدهای آن سال‌ها - و حتی نسل‌ها - باقی می‌ماند. اصلاح‌گرایان اجتماعی در دوران پساجنگ نقشی حیاتی دارند. بازسازی نفع‌تها به‌معنای ساخت دیوارها و پل هاست، بلکه به‌معنای ترمیم روابط انسانی، تقویت اعتماد عمومی و ایجاد ساختارهایی است که از تکرار خشونت جلوگیری کند. در این مرحله، تجربه همدلی و اقدامات جمعی دوران جنگ می‌تواند به سرمایه‌ای اجتماعی تبدیل شود. جامعه‌ای که به بحران یاد گرفته است فراتر از اختلافاتش بایستد. پس از جنگ نیز می‌تواند شالوده محکم‌تری برای اصلاحات دموکراتیک و توسعه پایدار بنا کند. جنگ، میدان اصلی اصلاحات نیست، اما عرصه امتحان وجدان اجتماعی اصلاح‌گرایان است. در این شرایط، آنان نه با شعارهای آرمان‌گرایانه، بلکه با اقدامات عینی - از همبستگی ملی تا حمایت از قربانیان - ثابت می‌کنند که اصلاح‌طلبی صرفاً یک گفت‌وگو سیاسی نیست، بلکه تعهدی اخلاقی به جامعه و انسانیت است. این نقش اگر چه کمتر دیده می‌شود، اما پایه‌های ضروری برای آینده‌ای عادلانه‌تر می‌سازد.

نیلوفر قلعه‌وند، مربی پیلاتس



پارسا منصور، پدل یاز



بر خاک ایران

طی ۴۸ ساعت حمله رژیم صهیونیستی چندین هموطن غیرنظامی‌مان
شهید شدند که تعدادی از آنها ورزشکار بودند

سپهر خرمی

گزارشگر گروه فرهنگ

«مناطق مسکونی را نمی‌زنیم». این ادعایی است از سوی اسرائیل که بارها در رسانه‌ها به آن پرداخته شده اما این نقل قول بیش از آن که یک حقیقت تلقی شود، یک شوخی زشت و غیرانسانی است. بعد از گذشت ۴۸ ساعت از حمله نظامی اسرائیل به خاک ایران، به‌مرور آمار کشته‌شدگانی منتشر می‌شود که نه نظامی بودند و نه کاری به سیاست داشتند بلکه در کنار زندگی کردن، به دنبال تفریح، ورزش و پیشرفت خود بودند. افرادی طی ۴۸ ساعت اخیر جان خود را از دست دادند که به‌دنبال یک زندگی عادی و به‌دور از تنش بودند. یکی پدل باز و هم‌زمان سرباز بود و در اندیشه پیدا کردن شغلی مناسب، زندگی را پیش می‌برد. یکی تکواندوکار ۱۲ ساله‌ای بود که رویای ملی‌پوش شدن داشت و دیگری مربی رشته پیلاتس و سرگرم کار کردن با شاگردان خود در شبکه‌های اجتماعی و کلاس‌های حضوری اش بود. در آخر از دیگر جانب‌باختگان این حمله نظامی، کسی بود که در استان البرز سوارکاری می‌کرد و می‌خواست با کسب مدال‌های متعدد در رشته خود پیشرفت کند. ظهر جمعه خبر درگذشت پارسا منصور از ورزشکاران «رشته پدل» منتشر شد؛ جوانی که در حال گذراندن خدمت سربازی بود اما به‌دلیل فرود موشک به منزل‌شان، از دنیا رفت. عصر همان روز خبر شهادت «امیرعلی امینی» مخابره شد؛ پسر ۱۲ ساله‌ای که عاشق تکواندو بود و سه روز در هفته تکواندو کار می‌کرد تا روزی بتواند در این رشته ورزشی ملی‌پوش شود. مهدی پولادوند هم که از استعدادهای برتر رشته اسب‌سواری بود به همان دلیل مشابه، جان خود را از دست داد. در این گزارش با مربی تکواندو امیرعلی، همچنین نایب‌رئیس انجمن پدل در بخش زنان صحبت کردیم تا بیشتر از زندگی افرادی بدانیم که طی ۴۸ ساعت گذشته، آن‌ها را از دست دادیم.

سربازی که دغدغه وطن داشت

یکی از شهدای حملات نظامی اسرائیل به خاک ایران، «پارسا منصور» از پدل بازهای ایران است که ظهر جمعه به‌دلیل اصابت موشک به ساختمان‌شان، جان به‌جان آفرین تسلیم کرد. «ملیکا شهاب» نایب‌رئیس انجمن پدل ایران در گفت‌وگو با روزنامه هم‌پهن در خصوص نحوه درگذشت پارسا منصور گفت: «پارسا بعد از اینکه از تمرین پدل به منزل برگشت، در خانه خودش نش در حال استراحت بود که به‌یکباره به‌دلیل بر خورد موشک به ساختمان محل سکونت‌شان، به‌دلیل آسیب جدی که دیده بود، درگذشت. پدر و مادر پارسا زیر آوار مانده بودند که خدا را شکر بعد از گذشت یک‌روز از زیر آوار خارج شدند اما شرایط روحی مساعدی ندارند، چون تازه متوجه درگذشت پسرشان شده‌اند. پدر و مادر او اصلاً شرایط مساعد روحی ندارند و تک‌فرد بودن پارسا هم به این داغ دامن زده است. منزل مرحوم پارسا سمت قطریه بود که فکر می‌کنم در همسایگی یکی از دانشمندان هسته‌ای زندگی می‌کردند.»

ملیکا شهاب همچنین در خصوص سبک زندگی مرحوم پارسا منصور گفت: «پارسا متولد ۱۳۷۷ و در حال گذراندن خدمت سربازی در پادگان خُر بود. البته پادگانش را مطمئن نیستیم اما به‌دلیل خدمت سربازی، زمان تمرین‌اش در باشگاه انقلاب کمی تغییر کرده بود و فقط شب‌ها می‌توانست پدل تمرین کند. او عاشق ایران بود. در بخش اطلاعات مربوط به اینستاگرام در صفحه شخصی اش نوشته بود: «پسر ایران» چون همیشه دغدغه کشور و وطن را داشت. او پسر بسیار شوخ‌طبع و البته بامعرفی بود. اگر در توانش بود و از او کمکی می‌خواستی، اصلاً دریغ نمی‌کرد. مادرش می‌گفت، پارسا از وقتی سرباز شده به‌دلیل اینکه نمی‌تواند شغل ثابتی داشته باشد، کمی گوشه‌گیر شده و نگران آینده است.»

امیرعلی در اندیشه ملی‌پوش شدن

یکی دیگر از شهدای حمله نظامی اسرائیل به خاک ایران، نه نظامی بود

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌پهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

چهره

اصیل زاده

اصیل زاده بود اما «آقا زاده» نبود. فرشته باقری، دختر سرلشکر محمد باقری را می‌گوییم که وقتی خبر شهادتش مخابره شد، بسیاری شوکه شدند از دانستن اینکه دختر رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران، خبرنگاری بود ساده در گروه فرهنگی خبرگزاری دفاع مقدس که در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت می‌کوشید. آنگونه که همکارانش روایت کرده‌اند، چنان عمو و پدرش فروتن بود و متواضع. عمویش حسن نیز پیش از آنکه راهی جبهه شود، خبرنگاری در روزنامه جمهوری اسلامی را تجربه کرده بود. بعدتر نیز که در جنگ از فرماندهان شاخص اطلاعات نظامی سپاه پاسداران شد، حتی همسرش نمی‌دانست او در جبهه چه می‌کند. می‌پرسید و چنین جواب می‌شنید: من سقایی بچه‌های بسیجی‌ام، دختر برادر نیز به راه عمو رفت و از رشته ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی فارغ‌التحصیل شد. متولد ۱۳۷۶ بود و هنگامی که نخستین بار خبرنگاری را شروع کرد، فقط ۲۲ سال داشت. ۲۸ سال اما بیشتر نداشت که با پدر به دیدار عمو شتافت.



مهدی پولادوند، سوارکار

امیرعلی امینی، تکواندوکار

کتابخانه

داستان‌هایی از هول و هراس

گاستون لوئی آلفرد لورو، نویسنده و خبرنگار جنایی فرانسوی در ابتدای قرن بیستم بود. شهرت او بیشتر به خاطر رمانش «شیخ ایرا» است که بارها به فیلم درآمده و آندرو لوید وبر، کارگردان مشهور تئاترهای موزیکال، آن را به همین نام روی صحنه برده است. رمان او همچنین مبنای رمان «شیخ» اثر سوزان کی است که در سال ۱۹۹۰ به چاپ رسید. «ضیافت سردیس‌ها و داستان‌های دیگر» مجموعه داستان‌هایی از لورو است که در سال ۲۰۱۴ از این نویسنده منتشر شد و حالا توسط نشر برج به انتشار رسید. این داستان‌ها مجموعه‌ای از قصه‌هایی است که ترس و وحشت، پایه اصلی آن را تشکیل می‌دهد. در خلاصه داستان‌های این مجموعه، داستانی نوشته شده: «مردی به ضیافت شام گروهی از کشتی شکستگان دعوت می‌شود که عادات غذایی غربی دارند. مردی جوان همراه با همسرش به مسافر خانه‌ای شوم می‌رود که در آن جنایاتی هولناک رخ داده است. زنی جوان با خواستگارهای پرشمار، مسئول مرگ بسیاری از آن‌ها شناخته می‌شود. طوفی مخملی، مانع افتادن سری بریده می‌شود.»



نام کتاب:

ضیافت سردیس‌ها
و داستان‌های دیگر

نویسنده:

گاستون لورو

مترجم:

محمود گودرزی

نشر: برج

تاریخ

تشکیل سازمان همکاری شانگهای



پیمان همکاری شانگهای (گروه ۵) در سال ۱۹۹۶ در ابتدا با هدف مبارزه با تهدیدات امنیتی جدید و برقرار کردن موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه، با گردهمایی سران کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قزاقستان و تاجیکستان تشکیل شد. در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ و با اضافه شدن ازبکستان به این پیمان و رسیدن تعداد اعضا به شش عضو، سازمان همکاری شانگهای تأسیس شد. بعدها سازمان، مبارزه با تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی را نیز در دستور کار خود قرار داد، اما بر خلاف ناتو هنوز یک معاهده دفاعی چندجانبه به‌شمار نمی‌رود. در سال‌های بعدی کشورهای هند، پاکستان، بلاروس و ایران به عضویت کامل این سازمان درآمدند. به هنگام ارسال درخواست ایران برای عضویت کامل در این سازمان، به‌دلیل قرار گرفتن کشور در تحریم‌های فصل هفتم سازمان ملل، این امر میسر نشد چون به ابتکار روسیه قانونی مصوب شده بود که کشوری که تحت تحریم‌های شورای امنیت است، امکان عضویت کامل را نداشته باشد. پس از برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل، اما این محدودیت برای ایران برداشته شد.

مربی کهنه کار پیلاتس به شهادت رسید

حمله به مناطق غیرنظامی از سوی اسرائیل، ثابت شده است. مناطقی مورد حمله نظامی اسرائیل در تهران و سایر شهرها قرار گرفته که کاملاً مسکونی بوده است. یکی از شهدای شنبه‌شب، نیلوفر قلعه‌وند، ورزشکار حرفه‌ای ایرانی است که سال‌ها به‌عنوان مربی پیلاتس در ایران فعالیت می‌کرد که در حمله اسرائیل به مناطق غیرنظامی ایران، جان خود را از دست داد. نیلوفر قلعه‌وند از مربیان قدیمی و صاحب‌نام رشته پیلاتس بود که فعالیت قابل توجهی نیز در شبکه‌های اجتماعی داشت و با آموزش حرکات اصلاحی سعی می‌کرد به‌صورت رایگان، ورزشکاران را نسبت به برخی حرکات که خطر آسیب‌دیدگی دارند آگاه کند. از دیگر ورزشکارانی که به شهادت رسیدند، می‌توان از «مهدی پولادوند» نام برد که یکی از جوانان بااخلاق رشته اسب‌سواری بود که جمعه ۲۲ خردادماه در میدان مسابقات پرش با اسب استان البرز در شهرستان کرج شرکت کرد و بعد از بازگشت به خانه، در کنار پدر جانبا، مادر و خواهر خود، در پی حملات ناخواسته اسرائیل به شهادت رسید. مهدی پولادوند از سوارکاران توانمند استان البرز و عضو باشگاه سوارکاری ایرانمهر بود. او در سال ۱۴۰۲ عنوان نایب‌قهرمانی استان البرز در رشته پرش با اسب را به‌دست آورد و با کسب عناوین متعدد قهرمانی در رقابت‌های استانی و جام‌های کشوری، یکی از استعدادهای درخشان و نویدبخش این رشته محسوب می‌شد. جنگ، قواعدی دارد که طی آن ۴۸ ساعت آنطور که باید از سوی اسرائیل رعایت نشده است. به‌صورت شفاهی می‌گویند مناطق مسکونی را نمی‌زنند اما اولین اهداف‌شان اتفاقاً مناطق مسکونی است که افراد غیرنظامی، زن، بچه، کودک و نوجوان آنجا حضور دارند و به شهادت رسیدند.